

## مصاحبه با نصر حامد ابو زید من خود شاهی بر تغییرات اسلام هشتم



برگردان: علی محمد طباطبایی

اصلاح طلب برجسته اسلامی و محقق ادبیات نصر حامد ابو زید بر این باور است که آزادی فردی پیش شرط ضروری برای ایمان دینی است. از این رو هر انسانی این اجازه را دارد که دین خود را تغییر دهد. ارهارد برون از طرف نشریه قنطره با او به گفتگو نشست است.

قنطره: پرسش از نسبت و تلقی مسلمانان با خشونت هنوز هم یکی از دلمشغولی‌های مهم در غرب است. شما اخیراً اظهار نظر کرده بودید که توسل جویی متفکرین مسلمان به سوره‌های قرآن در همین رابطه به طور کامل راه به خطا می‌برد...

ابوزید: البته قرآن گاهی زبانی بسیار مقتدرانه را برای برانگیختن مسلمین به نبرد مورد استفاده قرار داده است. محققین می‌بایست این پرسش را پاسخ دهند که چرا قرآن چنین زبان ترغیب کننده و قاطعی را در این مورد به کار برده است. در این خصوص آنچه تعیین کننده است شرایط و زمینه‌های عملی است: عرب‌هایی که به محمد ایمان آورده بودند می‌بایست متقاعد شوند که باید به جنگ اقوام و خویشان خودشان بروند و برای انجام چنین امری ایجاد تردید در آنها نسبت به سنت‌های پیش از اسلام ضروری بود.

برای اعراب جنگیدن با قبیله خودشان ممنوع بود. لیکن ظهور محمد تعداد بسیار زیادی از قبایل گوناگون را به دور او جمع نمود. هنگامی که زمان آن فرا رسید تا آنها از جامعه جدید خود دفاع کنند، تهدید اصلی از جانب قبیله‌های خود آنها می‌آمد. در اینجا است که می‌توان لحن مصالحه ناپذیر قرآن را درک کرد.

اسلام در میانه‌ی یک امپراتوری جهانی متولد نشده، بلکه از دل جهان سنت‌های قبیله‌ای، قواعد قبیله‌ای و قوانین مشرکانه بیرون آمده است. روابط خونی و پیوندهای قبیله‌ای نمی‌توانست جامعه جدید را متحد نگه دارد، زیرا مسلمانان نخستین از قبایل بسیار گوناگونی به دور هم جمع شده بودند و اکنون قسم جدیدی از قبیله را بوجود می‌آوردند، قبیله‌ای که از همان آغاز در وضعیت نزاع آشکار با دیگر قبایل قرار گرفته بود. آنها می‌بایست از خود دفاع کنند و تمامی این قبیل مسائل است که قرآن را شکل داده. قرآن محصولی از تأثیرات تکوینی خودش است. (۱) به همین دلیل است که نمی‌توانیم قرآن را بدون شناخت از زمینه‌های تاریخی ظهور اسلام درک کنیم. این مردم از یک رهبر دینی جدید برای جنگیدن پیروی نمی‌کردند. آنها هر کدام به نوعی از نظام قبیله‌ای بیرون افتاده اما در نهایت مجبور به جنگ بودند.

قنطره: شما در دفعات متعدد به تفسیر قرآن توسط یوحنا دمشقی (John of Damascus) استناد کرده‌اید. این روحانی برجسته که در همان دوران آغازین گسترش اسلام به نقاط دیگر جهان می‌زیسته به تعدادی از موارد در اسلام اشاره می‌کند که آنها را باهم متناقض می‌داند. این متکلم مسیحی از قرن هشتم امروز در رابطه با شرح و تفسیر قرآن چه چیز مهمی دارد که به ما بگوید؟

ابوزید: اولین درسی که من از نخستین قرائت خود از این تحلیل تحریک آمیز قرآن درک کردم این بود: این یک مباحثه مجادله برانگیز قرن هشتمی است، اما نوعی که با این وجود بسیار پرثمر بود، زیرا اولین متکلمین اسلامی پرسش‌های مطرح شده توسط یوحنا دمشقی را به عنوان یک چالش و نه تهدید می‌نگریستند.

رابطه منطقی تمامی این چالش‌های تحریک آمیز برای من در درون گفت‌وگوها ضد اسلامی در روزگار خود ما از قبیل کاریکاتورهای محمد یا فیلم‌هایی چون «قننه» یا «تسلیم» این است که من نیز همیشه تلاش می‌کنم تا مسلمانان دیگر را تشویق کنم که آنها نیز این موارد را به عنوان چالش بنگرند. در هر حال هیچ چیز نمی‌تواند حقیقتاً تمدن‌های بزرگ را که برای قرن‌ها دوام آورده و طی آن به ایجاد نظام‌های سیاسی متفاوت پرداخته‌اند تهدید کند - از نظام قبیله‌ای تا امپراتوری، و از ملت - کشورها گرفته تا نظام جهانی.

یوحنا دمشقی نمی‌خواست متکلمین اسلامی را برای انجام کارهای بزرگتری تحریک کند. تمامی آنچه او در نظر داشت نشان دادن رابطه میان جهان اسلامی و غیر اسلامی بود، رابطه‌ای که ژرفتر و تاریخی‌تر بود از آنچه ما می‌اندیشیم. مفهوم دو جهان جدا از هم در حقیقت مفهومی اشتباه است. چنین جهان‌هایی هرگز وجود نداشته است.

قنطره: آن چه چیزی بود که باعث گردید اسلام به یک تمدن بزرگ تبدیل شود؟

ابوزید: شیوه‌ای بود که با دیگر فرهنگ‌ها به تشکیل روابط متقابل پرداخت، مبادلات گسترده جهانی فرهنگ بود که در اواخر قرن هفتم و آغاز قرن هشتم بنیان نهاده شد و آنچه در واقع از طریق اسپانیا و سیسیل ادامه یافت. کافی است که فقط فلسفه و دانش پژوهی اسلامی را به خاطر آوریم که به زبان لاتین ترجمه می‌شد.

تمدن‌ها مانند امواج هستند - یعنی به طور دائم در حرکتند: حرکتی که از آفریقا و عراق باستانی آغاز گردیده و از طریق یونان رفته و به خاورمیانه رسید. در اینجا ما شاهد عصر هلنیسم هستیم، هنگامی که اسکندر کبیر تلاش می‌کرد که حکومت خود را در سرتاسر منطقه بگستراند. و سپس نوبت به تمدن اسلامی رسید و در نهایت رنسانس و تمدن مدرن غربی آغاز گردید. این نوع از تبدلات که اهمیت دیالوگ میان تمدن‌ها و ادیان را مورد تأکید قرار می‌دهد در قرن هفتم آغاز گردید.

**قنطره:** شما با این سخن خود در واقع ادعاهای متداول منتقدین اسلام را نقض می‌کنید که معتقد هستند در اسلام هرگز تبادلات جدی یا دیالوگ وجود نداشته و این که اسلام و فردگرایی با هم ناسازگار هستند...

**ابوزید:** دقیقاً. این نیز یک استدلال مهم در برابر این نگرش است که از دیدگاه یک فرد مسلمان تغییر و پذیرفتن یک دین دیگر غیر ممکن است. یک مسلمان - مطابق با نظر شایع در میان مسلمانان - همیشه یک مسلمان باقی می‌ماند، مگر این که گورش را گم کند. به باور من دعوت پیامبر از مردم برای پیروی از ایمان دینی او مبتنی است بر فرض قبول آزادی انتخاب آنها. مگر نه این که انسان‌هایی که آزادی انتخاب ندارند نیازی نیز به دعوت شدن ندارند. حق بنیادین هر انسان برای پذیرش یک رهبر روحانی جدید باید دارای این تضمین باشد که وی بتواند در صورت تمایل دوباره ایمان خود را عوض کند. (۲)

**قنطره:** شما از حرکت‌های موج مانند در جریان تاریخ جهان سخن گفتید و به دوره‌هایی بسیار خلاق و پویا در جهان اسلام اشاره کردید. لیکن بالاخره زمانی در حدود قرن چهارده یا پانزده میلادی به نظر می‌رسد که این سرزندگی ناپدید شد است. به عقیده شما علت آن چه بوده؟

**ابوزید:** من با این نظر شما به طور کامل موافق نیستم. اگر شما اندیشه اسلامی قرن‌های ۱۵، ۱۶ و ۱۷ را با پیشرفت‌هایی در اندیشه اسلامی در قرون ۱۸ و ۱۹ مقایسه کنید یک گوناگونی بسیار بزرگ از اندیشه‌ها را کشف خواهید کرد. مسئله اینجاست که بعضی تمایل دارند به این که بیشتر یک تصویر ساکن از اعراب (۳) داشته باشند. آنها حتی قادر به دیدن تفاوت‌های بسیار زیاد میان مکان‌های گوناگونی چون تونس و عربستان سعودی نیستند. برای آنها اسلام یک تمامیت ثابت و غیر متغیر است، ادعایی که به هیچ وجه حقیقت ندارد. در جهان اسلام یک تحول در جریان است، نوعی اصلاحات. این جریان از پایان قرن ۱۹ آغاز گردید و در تمامی قرن بیستم ادامه داشت و تمامی اقشار مردم را در بر گرفته است.

**قنطره:** اما شما خودتان را نیز به عنوان قربانی این تغییرات می‌نگرید.

**ابوزید:** بله، من یک قربانی هستم. اما در عین حال شاهدهی بر این تغییرات که در حال شدن است نیز می‌باشم، آنهم علی‌رغم تمامی رویدادهای وحشتناکی که - همچون قضیه خودم - به وقوع پیوسته است. فیلسوف مشهور عربی - اسپانیایی ابن رشد در زمان خودش مطرود دانسته شد، با این وجود اندیشه‌هایش در سرتاسر جهان غرب پراکنده گردید (۴). آنها از طریق سوریه به زبان لاتین برگردانده شدند و مبنای کلیسای آن زمان را تشکیل دادند. ما همیشه باید به زمینه‌ها توجه کنیم - چه محلی و چه جهانی و نباید فراموش کنیم که جهان مسیحی نیز اندیشمندان بسیاری را محکوم کرده است، با این حال در آنجا نیز یک پویایی درونی به حرکت در آمد.

\*پروفسور ابو زید متولد ۱۹۴۳ در مصر است. پس از تحصیل در رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه قاهره در ۱۹۸۷ به مقام دانشیاری در موسسه زبان و ادبیات عربی رسید. مطالعه او در باره قرآن که در آن وی تاریخ تشکیل آن را مورد بررسی قرار داده بود باعث ایجاد واکنش‌های به شدت بحث انگیز گردید. تندرهای دینی وی را به ارتداد از دین متهم کردند که در پی آن مجبور به جدا شدن از همسرش گردید و در نهایت ترک کشورش مصر. وی از سال ۲۰۰۴ در لیدن هلند به کارهای تحقیقاتی و تدریس در دانشگاه ادامه می‌دهد.

[http://www.qantara.de/webcom/show\\_article.php/\\_c-478/\\_nr-813/i.html](http://www.qantara.de/webcom/show_article.php/_c-478/_nr-813/i.html)

<http://www.qantara.de>

۱: ترجمه این قسمت در متن آلمانی کمی متفاوت است: قرآن تمامی آن چیزهایی را خود ثبت کرده است که در متن [جامعه] می‌گذشت. مترجم

۲: در اینجا آقای ابوزید بدون دادن هرگونه پاسخی به پرسش مصاحبه‌گر موضوع بحث را عوض می‌کند زیرا در تاریخ ثبت است که مسلمانان هرگز علاقه و توجه جدی به فرهنگ‌ها، اقوام، زبانها و هرچیز بیگانه از خودشان نداشتند و هرگز کنجکاو دانستن و شناختن غیر خود نبوده‌اند. در ثانی مسئله ارتداد بر خلاف سخن آقای ابوزید ربطی به نظر شایع میان مردم مسلمان ندارد بلکه نظر تمامی علمای اسلامی جهان از دوره‌های متفاوت است. اما مسئله مهم‌تر این که فلسفه ارتداد و برخورد جدی جامعه اسلامی با آن روشن است. اسلام آخرین و کاملترین دینی است که خداوند برای بشر فرستاده است و چنانچه کسی پس از مسلمان بودن بخواهد آن را ترک کند به خود خداوند و رسول او پشت کرده، و این عملی است که در حکم بدترین توهین نسبت به یک عقیده خواهد بود که خود را کامل‌ترین می‌داند. از این رو یک چنین عمل گستاخانه‌ای نمی‌تواند بدون پاسخ بماند. به ویژه واکنش به ترک دین در اوایل اسلام می‌بایست به مراتب با جدیدت و شقاوت بیشتری مطرح باشد تا دوام جامعه اسلامی تضمین گردد. بنابراین فرض‌های ایشان در مورد داشتن آزادی انتخاب برای جامعه ابتدایی و خشن صدر اسلام بسیار مضحک است و گویی که ایشان خود را به نادانی می‌زند. مترجم.

۳: ضمن این که آقای ابوزید با یک پاسخ کوتاه بسیار کلی و مبهم می‌خواهد نظر مصاحبه‌گر را رد کند یکمرتبه اسلام را با عرب یکی می‌گیرد و به جای دفاع از اسلام به دفاع از اعراب می‌پردازد.

۴: بالاتر نیز یک بار دیگر آقای ابوزید علت پیشرفت غرب را به نوعی با اسلام گره زده بود و حالا مدعی می‌شود که مبنای کلیسای زمانه‌ی ابن رشد را نظرات ابن فیلسوف اسلامی تشکیل داده است.

منبع: ایران امروز

## Interview with Nasr Hamid Abu Zaid

### "I am a Witness to the Changes in Islam"



Leading Islamic reformist and literary scholar, Nasr Hamid Abu Zaid, believes that individual freedom is an essential prerequisite to faith. Everyone, therefore, also has the right to convert to another faith. He talked to Erhard Brunn about some of his ideas

| The relationship between the Muslim and the non-Muslim worlds is one that is deeper and more historical than we think, believes Abu Zaid | *The question of what the Muslim attitude to violence is still one that very much preoccupies the West. You recently pointed out that recourse to the Koranic suras is totally misleading in today's context...*

**Abu Zaid:** Of course, the Koran sometimes uses very strong language in its exhortations to fight. Researchers have to question why the Koran employs such strong, persuasive language in this case. The context is crucial here. The Arabs who believed in Mohammed were to be convinced of the need to fight against their own families and, in so doing, to gainsay the pre-Islamic tradition.

So it was forbidden for an individual to fight against his own tribe. But the arrival of Mohammed as prophet drew so many members of various tribes to him. When the time came for them to defend their new community, the threat came from their own tribes. The uncompromising tone of the Koran is understandable here.

Islam was not born out of a world empire; it arose from a world of tribal tradition, tribal laws and pagan rules. Blood bonds and tribal ties did not hold the new community together. They came, after all, from many different tribes. They came together into a new kind of tribe, one that from the beginning was locked in conflict with other tribes. They had to defend themselves. All of this formed the Koran. The Koran is very much a product of its formative influences.

| **Nasr Hamid Abu Zaid:** "We cannot understand the Koran without knowledge of the historical background." | This is why we cannot understand the Koran without knowledge of the historical background. These people did not follow a new spiritual leader in order to fight. They had somehow fallen out of the tribal system. But in the end they had to fight.

*You have referred several times to the interpretation of the Koran by John of Damascus. This*

*important churchman in the early Islamic period pointed to a number of things in Islam that he regarded as contradictory. What does this 8th century Christian theologian have to say to us today with regard to the Koran exegesis?*



**Abu Zaid:** The first lesson as I understood it from my first reading of his provocative analysis of the Koran was this: this is an 8th century polemical debate, but one which was nevertheless very productive, because the early Islamic theologians saw the questions raised by John as a challenge, not as a threat.

The relevance for me of all these provocative challenges within the anti-Islamic discourse today, such as the Mohammed cartoons or films like "Fitna" or "Submission", is that I always try to get other Muslims to see them as a challenge also. After all, nothing can really threaten great civilisations which have survived for centuries during which they have developed very differing political systems – from the tribal to the imperial, from nation state to global order.

John of Damascus wasn't trying to spur Islamic theologians on to greater things. All he did was to show the relationship between the Muslim and the non-Muslim world, a relationship that was deeper and more historical than we realise. The idea of two separate worlds divided from one another is wrong. Such worlds have never existed.

*What was it that made Islam a great civilisation?*

**Abu Zaid:** It was the way in which it interacted with other cultures, the worldwide cultural exchange which was already well established by the end of the 7th and beginning of the 8th centuries and which was carried on via Spain and Sicily. Just think of the Islamic philosophy and scholarship that was translated into Latin.

| "The famous Arab-Spanish philosopher Averroes was condemned. Nevertheless, despite that, his ideas have spread through the West." | Civilisations are like waves – always in movement: coming from Africa or the old Iraq, to Greece and from there to the Middle East. There was the Hellenistic period, when Alexander the Great tried to spread his rule through the entire region. Then came the Islamic civilisation. And finally the Renaissance and the modern Western civilisation. This type of exchange, which emphasises the importance of dialogue between the civilisations and religions, began in the 7th century.

*In saying that you are contradicting the current claims of critics of Islam who maintain that there was no serious exchange or dialogue and that Islam and individualism are incompatible...*

**Abu Zaid:** Exactly. That is also an important argument against the idea that, from a Muslim point of

view, conversion to a different faith is not possible. Once a Muslim – says the prevailing opinion among Islamic scholars – always a Muslim. Or you have to make yourself scarce.

I believe that the prophet's invitation to the people to follow him in their faith is based upon the assumption of their freedom to choose. People who do not have a free choice do not need to be invited, after all. The basic right of every person to follow a new spiritual leader should be ensured by his also having the opportunity to change his mind again

*You mentioned the wave-like movements in the global historical process, the at times very creative and dynamic periods of the Muslim world. But at some point around the 14th or 15th century this vitality seems to have disappeared. Why do you think this happened?*



**Abu Zaid:** I do not agree entirely with what you are saying. If you compare Islamic thought of the 15th, 16th or 17th centuries with the developments in Islamic thought in the 18th and 19th centuries you will discover a great diversity of ideas. The problem is that some people tend to have rather fixed ideas about Arabs. They cannot even distinguish between places as different as Tunisia and Saudi Arabia. They see Islam as fixed, unchanging, which just is not the case. There is a change underway in the Muslim world, a reformation. It began at the end of the 19th century and continued through the 20th. It has gone through highs and lows.

*But you see yourself as a victim of these changes?*

**Abu Zaid:** Yes, I am a victim. But I am also a witness to the changes that are taking place, in spite – as in my own case – of all the terrible things that have happened. The famous Arab-Spanish philosopher Averroes was condemned. Nevertheless, despite that, his ideas have spread through the West, they went via Syria, were translated into Latin and formed the foundation of the church at that time. We must always pay attention to context – both local and international. We mustn't forget that the Christian world, too, has condemned many thinkers. Nevertheless, there, too, an internal dynamism was set in motion.

*Interview: Erhard Brunn*

© Qantara.de 2008

*Prof. Abu Zaid was born near the city of Tanta, Egypt, in 1943. After studying Arabic at the University of Cairo, he was appointed associate professor at the Institute of Arabic Language and Literature in 1987. His study of the Koran, in which he analyses the history of its formation, sparked a fiercely controversial reaction. Accused of apostasy by religious hardliners, he was forced to divorce his wife and, finally, to leave Egypt. Abu Zaid has been teaching in Leyden, in the Netherlands, since 2004.*

*Translated from the German by Ron Walker*

[http://www.qantara.de/webcom/show\\_article.php/\\_c-478/\\_nr-813/i.html](http://www.qantara.de/webcom/show_article.php/_c-478/_nr-813/i.html)

## /Interview mit Nasr Hamid Abu Zaid

### "Ich bin Zeuge des Wandels im Islam"

**Nach Ansicht des ägyptischen Literaturwissenschaftlers und führenden islamischen Reformdenkers Nasr Hamid Abu Zaid stellt die Freiheit des Individuums die Voraussetzung des Glaubens dar. Deshalb habe auch jeder das Recht, zu konvertieren. Erhard Brunn hat sich mit ihm unterhalten.**



Das Verhältnis zwischen muslimischer und nichtmuslimischen Welt ist tiefer und historischer als wir denken, meint Abu Zaid. Das Konzept zweier voneinander geteilter Welten sei dagegen völlig falsch. | *Die Frage nach dem Verhältnis der Muslime zur Gewalt beschäftigt den Westen noch immer sehr stark. Sie haben jüngst darauf hingewiesen, dass diesbezüglich der Rekurs auf Koran-Suren im heutigen Zusammenhang völlig irreführend sei...*

**Abu Zaid:** Natürlich benutzt der Koran teilweise eine scheinbar sehr starke Sprache, was die Aufforderung zum Kampf angeht. Da müssen sich die Forscher natürlich fragen, warum im Koran in diesem Fall eine so starke, persuasive Sprache gebraucht wird. Hier ist der Kontext entscheidend: Die Araber, die an Mohammed glaubten, sollten ja überzeugt werden, gegen ihre eigenen Familien zu kämpfen und somit der vorislamischen Tradition zu widersprechen.

Demnach war es einem Individuum verboten, gegen seinen eigenen Stamm zu kämpfen. Aber das Erscheinen von Mohammed als Prophet hatte so viele Angehörige verschiedener Stämme an sich gezogen. Als die Zeit kam, als sie ihre neue Gemeinschaft verteidigen mussten, kam die Drohung von ihren eigenen Stämmen. Hier können wir doch den entschlossenen Ton des Korans verstehen.

Der Islam wurde nicht inmitten eines Weltreiches geboren, sondern inmitten von Traditionen von Stämmen, von Stammesgesetzen, heidnischen Regeln. Die neue Gemeinschaft war nicht durch Blutsbande verbunden, nicht durch tribale Bande. Sie kamen ja von verschiedenen Stämmen. Sie formten eine neue Art von Stamm, der sich von Anfang an im Konflikt mit anderen Stämmen befand. Sie

mussten sich verteidigen. All dies formte den Koran. Der Koran hielt wirklich fest, was sich an der Basis abspielte.



Nasr Hamid Abu Zeid: "Wir können die Aussagen des Korans nicht verstehen, ohne den historischen Hintergrund zu kennen." | Daher können wir die Aussagen des Korans nicht verstehen, ohne den historischen Hintergrund zu kennen. Diese Leute folgten nicht einem neuen spirituellen Führer, um zu kämpfen. Sie waren irgendwie aus dem Stammessystem rausgefallen. Aber am Ende mussten sie kämpfen.

*Sie haben mehrmals auf Johannes von Damaskus und dessen Analyse des Korans hingewiesen. Dieser wichtige Kirchenmann in der Frühzeit des Islam wies auf eine Reihe von Punkten hin, die er als widersprüchlich im Koran empfand. Was hat dieser christliche Theologe des 8. Jahrhunderts in Bezug auf die Koranexegese heute zu sagen?*

**Abu Zaid:** Die erste Lektion, die ich nach dem ersten Lesen seiner provokanten Analyse des Koran empfand war: Hier handelt es sich um eine polemische Auseinandersetzung im 8. Jahrhundert, die jedoch durchaus produktiv war, da die frühen islamischen Theologen die von Johann aufgeworfenen Fragen als Herausforderung und nicht als Bedrohung begriffen.

Die Relevanz all dieser provokativen Herausforderungen im anti-islamischen Diskurs wie die Mohamed-Karikaturen oder Filme wie "Fitna" oder "Submission" heute, ist für mich, dass ich immer versuche, Muslime zu ermutigen, dies ebenfalls als Herausforderung zu sehen. Denn nichts kann große Zivilisationen wirklich bedrohen, die über Jahrhunderte hinweg überlebt haben und dabei ganz verschiedene politische Systeme entwickelten – vom Stamm zum Imperium, vom Nationalstaat zur globalen Ordnung.

Johannes von Damaskus hatte ja nicht vor, islamische Theologen zu besseren Leistungen anzuspornen. Es zeigte lediglich das Verhältnis zwischen der muslimischen und der nichtmuslimischen Welt auf, das tiefer und historischer war als wir denken. Das Konzept zweier von einander geteilter Welten ist ein falsches Konzept. Solche Welten haben nie existiert.

*Was machte den Islam zu einer großen Zivilisation?*

**Abu Zaid:** Die Art der Interaktion und des Austauschs mit den Kulturen überall auf der Welt – ein Austausch, der bereits Ende des 7. Jahrhunderts und zu Beginn des 8. Jahrhunderts existierte und sich über Spanien und Sizilien fortsetzte. Denken Sie an die islamische Philosophie und Wissenschaft, die ins Lateinische übersetzt wurden.



| :  
Verbreitung und Austausch von Wissen über Jahrhunderte und Kontinente hinweg - Statue des berühmten spanisch-arabischen Philosophen und Mediziners Averroës in Córdoba | Mit den Zivilisationen verhält es sich genau wie mit Wellen – sie sind ständig in Bewegung: Von Afrika kommend oder auch vom alten Irak, nach Griechenland und von dort zum Mittleren Osten. Die hellenistische Ära, als Alexander der Große versuchte, seine Autorität in der ganzen Region durchzusetzen. Darauf folgte die islamische Zivilisation. Und schließlich die Renaissance und die moderne westliche Zivilisation. Ausgehend vom 7. Jahrhundert fand diese Art des Austauschs statt, der den Dialog der Zivilisationen und den interreligiösen Dialog unterstreicht.

*Damit widersprechen Sie gängigen Behauptungen von Islamkritikern, dass es keinen ernsthaften Austausch oder Dialog gegeben habe und dass Islam und Individualismus nicht miteinander vereinbar seien...*

**Abu Zaid:** Genau. Das ist auch ein wichtiges Argument gegen die Ansicht, dass es aus muslimischer Sicht nicht möglich sei, zu konvertieren. Wenn Du einmal Muslim bist, kannst Du - laut vorherrschender Meinung der Islamgelehrten - den islamischen Glauben nicht wechseln. Oder Du musst verschwinden.

Ich meine, dass die Einladung des Propheten an die Menschen, ihm im Glauben zu folgen auf der Annahme der Freiwilligkeit beruhte. Denn es können ja keine Leute eingeladen werden, die keine freie Wahl haben. Die grundsätzliche Freiheit eines jeden Individuums, einem neuen spirituellen Führer zu folgen, sollte damit

abgesichert werden, dass er auch die Möglichkeit hatte, seine Meinung wieder zu ändern.

*Sie erwähnten die Wellenbewegungen im globalen historischen Prozess, die mitunter sehr kreative und dynamische Phase in der muslimischen Welt. Doch irgendwann ab dem 14. und 15. Jahrhundert scheint diese Dynamik verloren gegangen zu sein. Worauf führen Sie das zurück?*

**Abu Zaid:** Da stimme ich Ihnen nicht ganz zu. Wenn Sie beispielsweise das islamische Denken im 15., 16. oder 17. Jahrhundert mit der Entwicklung des islamischen Denkens im 18. und 19. Jahrhunderts vergleichen, werden Sie eine große Gedankenvielfalt entdecken. Das Problem ist, dass einige Leute dazu tendieren, ein starres Bild von den Arabern zu pflegen. Sie können noch nicht einmal die vielen Unterschiede zwischen Tunesien und Saudi-Arabien ausmachen. Für sie ist der Islam eine feste Größe, was nicht der Realität entspricht. Es ist eine Entwicklung in der muslimischen Welt im Gang, eine Reformation. Sie begann Ende des 19. Jahrhunderts und hält im 20. Jahrhundert an. Und sie hat bereits Höhen und Tiefen erfahren.

*Aber Sie selbst betrachten sich als Opfer dieser Entwicklungen?*

**Abu Zaid:** Ja, ich bin ein Opfer. Aber ich bin auch ein Zeuge des Wandels, der vonstatten geht, allen Grausamkeiten – wie in meinem Fall – zum Trotz. Der berühmte arabisch-spanische Philosoph Averroës wurde verurteilt. Doch seine Ideen haben sich trotzdem im Westen ausgebreitet, sie gingen nach Syrien, wurden ins Lateinische übersetzt und formten die Grundlage der damaligen Kirche. Wir müssen also immer auf den Kontext achten – lokal wie international. Man darf nicht vergessen, dass auch die christliche Welt viele Denker verurteilt hat. Und dennoch wurde dort eine interne Dynamik ausgelöst.

*Interview: Erhard Brunn*

© Qantara.de 2008

*Prof. Abu Zaid wurde 1943 in der Nähe von Tanta, in Ägypten geboren. Nach dem Studium der Arabistik an der Universität Kairo wurde er 1987 außerordentlicher Professor am Institut für Arabische Sprache und Literatur. Seine Analysen des Korans, in denen er diesen auf dem Hintergrund seiner Entstehungsgeschichte analysierte, entzündeten sich heftige Kontroversen. In deren Folge wurde er von religiösen Hardlinern der Apostasie beschuldigt, eine Zwangsscheidung wurde gegen ihn durchgesetzt, so dass er Ägypten schließlich verließ. Seit 2004 lehrt Abu Zaid im niederländischen Leiden.*

[http://www.qantara.de/webcom/show\\_article.php/\\_c-469/\\_nr-928/i.html](http://www.qantara.de/webcom/show_article.php/_c-469/_nr-928/i.html)